

## تصویرسازی شخصیت‌های کودک و جوان در قصه‌های عامهٔ رایج در فرهنگ بختیاری

\*علیرضا سلطانی

\*\* ابراهیم ظاهری عبدوند

\*\*\* سجاد نجفی بهزادی

### چکیده

شخصیت، عنصر مهمی در قصه است و مخاطبان به ویژه کودکان و جوانان، از طریق الگوسازی و احساس همذات‌پنداری با اشخاص قصه، مهم‌ترین مبانی زندگی را می‌آموزند؛ بنابراین بررسی تصویرسازی عنصر شخصیت در قصه‌ها، به‌ویژه شخصیت‌های کودک و جوان، در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد که هدف در این پژوهش نیز بررسی این نوع شخصیت‌ها در قصه‌های رایج در فرهنگ بختیاری بر اساس روش اسنادی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. نتیجهٔ پژوهش نشان می‌دهد در قصه‌های بررسی شده، تعداد اشخاص کودک و جوان بیشتر از بزرگسالان است؛ دختران نقش پررنگ‌تری نسبت به پسران دارند. از نظر طبقهٔ اجتماعی، بیشتر شخصیت‌های کودک و جوان مختص به طبقهٔ فرودست هستند و با وجود حضور بیشتر شخصیت‌های دختر، شخصیت اصلی بیشتر قصه‌ها، از بین شخصیت‌های پسر انتخاب شده است. از میان مشخصه‌های فیزیکی، بیشتر به زیبایی صورت و بلندی موهای دختر و تیراندازی، شکارگری، قدرت جسمانی و خوش‌اندامی پسر و از میان ویژگی‌های عاطفی و اخلاقی، بیشتر به شجاعت، مهربانی، باهوشی، دانایی و باوفایی آنان توجه شده است.

کلمات کلیدی: بختیاری، قصه، تصویرسازی، شخصیت‌های کودک و جوان.

---

\*دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. [soltania\\_1233@yahoo.com](mailto:soltania_1233@yahoo.com)

\*\*استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد، پژوهشگر پژوهشکده بختیاری‌شناسی، شهرکرد، ایران

[aheri@sku.ac.ir](mailto:aheri@sku.ac.ir)

\*\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد، پژوهشگر پژوهشکده بختیاری‌شناسی، شهرکرد، ایران.

[najafi@sku.ac.ir](mailto:najafi@sku.ac.ir)

## ۱. مقدمه

داستان، از عرصه‌های آسان و کم‌هزینهٔ انتقال آداب و رسوم، سنت‌های دیرین و میراث فرهنگی گذشتگان به فرزندان و نسل‌های آینده است که این پیوند در گونه‌های شفاهی ادبی عامه به ویژه قصه، نمود بیشتری دارد (پاینده، ۱۳۸۹: ۵۷-۶۲). از این منظر است که می‌توان «قصه‌ها را تکیه‌گاه اثربخشی برای تعلیم و تربیت ایلی و پاسداری از فرهنگ محلی به شمار آورد» (قنبری عدیوی، ۱۳۹۲: ۴۴).

در قصه‌ها به جنبه‌های آموزشی و تربیتی کودک و جوانان و حتی بزرگسالان توجه شده است و به همین دلیل در اکثر آن‌ها، هرگز دروغ‌گویان، دزدان، ریاکاران و کسانی که تلاش می‌کنند تا با دروغ‌گویی و خیانت کار خود را پیش ببرند، پیروز نمی‌شوند (محبوب، ۶۵: ۱۳۴۱). قصه‌ها سبب می‌شوند تا مخاطبان شیوه‌های درک زندگی و خوب زیستن را بیاموزند. همچنین «به آنان نظم فکری می‌آموزند و آنان را باتجربه‌ای تازه آشنا می‌کنند» (آذر، ۱۳۷۸: ۶۸).

در دورهٔ معاصر نیز به این جنبهٔ مهم قصه‌ها توجه بسیار شده است: «تأثیر این هنر به حدی است که دانشمندان تربیتی در قرون جدید از آن به‌عنوان روش اساسی در آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و حتی در سال‌های اولیهٔ دبستان یاد می‌کنند» (ناظمی، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۳)؛ زیرا قصه‌گویی به تثبیت و افزایش معلومات کودکان و جوانان کمک می‌کند و با طبیعت کودک نیز نزدیکی دارد. در واقع آموزش از طریق قصه‌گویی، مطالب را زنده، شوق‌انگیز و جذاب می‌کند (زایپس، ۱۳۸۰: ۲۶).

سرگرم‌کردن شنونده و مخاطب، ایجاد نشاط در میان شنوندگان و پر کردن اوقات فراغت، از دیگر کارکردهای قصه و سایر گونه‌های روایی است (انجوی، ۱۳۹۴: ۶۸). این گفتارها باید آن‌چنان ساده و شیوا بیان شوند که در خاطره‌ها باقی بمانند و آن‌قدر به حقیقت زندگی نزدیک باشند که بارها در زندگی یادآوری شوند تا دلیلی برای حفظ آن وجود داشته باشد. چنین مطالبی را انسان برای فرزندش می‌گوید که او نیز از این دانش استفاده کند و با کمک آن، خود را با طبیعت و جامعه وفق دهد. اگر چنین

آموزشی برای وی راهگشای زندگی باشد، آن را حفظ می‌کند و در دوران زندگی‌اش آن را زنده نگه می‌دارد (شهشهانی، ۱۳۸۷: ۲۴).

انتخاب نوع شخصیت در قصه‌ها در این زمینه بسیار اهمیت دارد؛ زیرا مخاطبان قصه‌ها به ویژه کودکان و جوانان با شخصیت‌ها، احساس همدلی و همدات‌پنداری می‌کنند و همراهی با قهرمانان قصه، باعث می‌شود که صفات، فضایل و ارزش‌های آنان با روح و جان کودک و جوان آمیخته شود. وقتی قهرمان به خاطر خوبی، بخشش و صداقتش مورد حسد یا ستم واقع می‌شود و سرانجام، همین ویژگی‌ها او را نجات می‌دهد، عشق‌ورزی به این ارزش‌ها همچون بذری در نهاد کودک و جوان افشاندن می‌شود و میل به گریز و پرهیز از کسانی که زشتی‌ها و بدی‌ها را منتشر می‌کنند نیز در وجود او بارور می‌شود (بیشاپ، ۱۴۸: ۱۳۷۴). همراهی و همدات‌پنداری با شخصیت‌های قصه زمانی اتفاق می‌افتد که بین مخاطب کودک و جوان با شخصیت‌های قصه از نظر متغیرهایی مانند سن و جنسیت، همخوانی و تناسب وجود داشته و همچنین مسائل مربوط به کودکان و جوانان و باید و نبایدهای زندگی آنان از طریق شخصیت‌های اصلی، قهرمان و ضد قهرمان، که از میان خود کودکان انتخاب گردیده، مطرح شده باشد. بر این اساس در این پژوهش به بررسی تصویرسازی شخصیت‌های کودک و جوان از منظر داستانی در قصه‌های عامیانه رایج در فرهنگ بختیاری و مشخصه‌های فیزیکی و اخلاقی - عاطفی آنان پرداخته و به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که در قصه‌های عامیانه چه تصویری از شخصیت‌های کودک و جوان بازتاب داده شده است؟ کودک و جوان چه جایگاهی در این قصه‌ها دارد؟ چه صفت‌هایی به آنها نسبت داده شده است و جنسیت در این زمینه چه نقشی دارد؟

#### ۱-۱. روش پژوهش و جامعه آماری آن

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها، از روش اسنادی با رویکرد توصیفی تحلیلی استفاده شده است. قصه‌های مورد بررسی، به عنوان جامعه پژوهش، عبارتند از:

سیب سرخ، هفت‌برادران، پری گل، آهوبچه، دخترک چوپان، مثل روباه و دالو، کره‌اسب سیاه، زن زیبا و شکارچی، سراره پا تیشه، دختر گاپون و پادشاه، دسته‌گل قهقهه، بابا خارکش، بیگ سور، تنبل یا زردآلو، ممد یکونه، خیر و شر، پسر خوشبخت، پیرزن و کدو، پادشاه و پسرش، پادشاه و هفت پسرش، دختر موطلایی، زن بدکاره و حسنک، پسر کاکل سری و دختر موطلایی، پسر وزیر و دختر پادشاه، ازدها و زن ظالم، کبی، کیچی، کفی، مفی، هیچی، گل‌گیس و چوپان، سه برادر، سه برادر، ۲، ملک جمشید، آمن قره، حسن ماهیگیر، هفت‌خواهران، دو خواهر، الازنگی و تمتی، دیو هفت‌سر، جیکم جیکم سرگشته که کمر نگشته، شاهزاده خانم زندانی و باغات رنگی.

#### ۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون درباره شخصیت کودک و جوان در قصه‌های بختیاری پژوهشی انجام نشده؛ اما در زمینه شخصیت در قصه‌های عامیانه بختیاری و شخصیت کودک در ادب عامیانه فارسی پژوهش‌های ارزشمندی انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: چراغی و ابراهیمی (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل روان‌شناختی رابطه والد - فرزندی در ضرب‌المثل‌های ایرانی»، ضرب‌المثل‌های ایرانی مرتبط با رابطه والد - فرزندی را بررسی کرده‌اند. نویسندگان در پژوهش ذکر شده به این نتیجه رسیده‌اند که میل جنسی، منافع مالی و تهدید جانی از مهمترین عوامل تهدیدکننده رابطه والد - فرزندی هستند؛ بنابراین رابطه والد - فرزندی در جامعه سنتی ایران، رابطه‌ای کاملاً مورد اعتماد نیست و تحت تأثیر منفی فردگرایی و منفعت‌طلبی طرفین قرار می‌گرفته است (چراغی و ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۳۸۳).

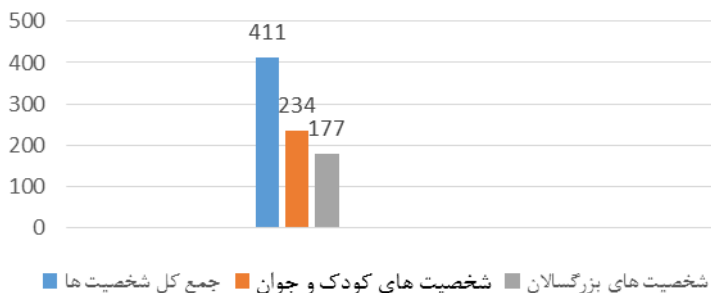
مارزلف (۱۳۷۶) در کتاب طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، از جنبه‌های مختلف به بررسی شخصیت‌ها به ویژه شخصیت دختر در قصه‌ها پرداخته است. زهدی (۱۳۶۶) در کتاب سیمای کودک در آثار نویسندگان بزرگ، به تحلیل و بررسی سیمای کودک در آثار داستانی پرداخته است.

رضایی و ظاهری عبده‌وند (۱۳۹۲) در مقاله «تصویر زن در قصه‌های عامیانه بختیاری»، به تصویر زن در قصه‌ها پرداخته‌اند. در این پژوهش نویسندگان اشاره می‌کنند که مهمترین دغدغه زنان در قصه‌های عامیانه بختیاری، مبارزه با اندیشه‌های مردسالارانه است (رضایی و ظاهری عبده‌وند، ۱۳۹۲: ۲۳۹).

## ۲. بحث و بررسی

### ۱-۲. بررسی تعداد کل شخصیت‌های کودک و جوان در قصه‌های مورد بررسی

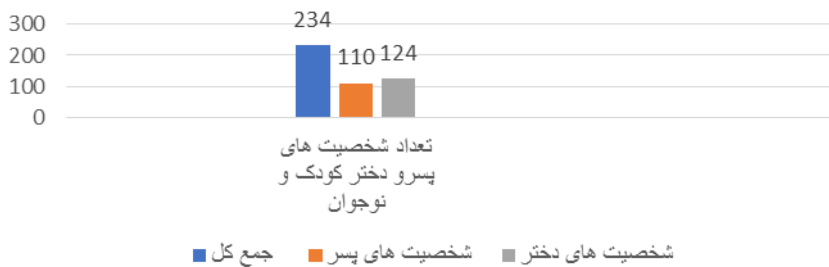
در قصه‌های مورد بررسی، ۴۱۱ شخصیت حضور دارد که از این تعداد، ۲۳۴ شخصیت (۶۳٪) کودک و جوان و ۱۷۷ شخصیت (۳۷٪) بزرگسال هستند. بر این اساس می‌توان گفت شخصیت‌های کودک و جوان، نقش پررنگ‌تری نسبت به شخصیت بزرگسالان در قصه‌های رایج در فرهنگ بختیاری دارند؛ دلیل این امر، این است که مخاطب اصلی قصه‌ها کودکان و جوانانند؛ بنابراین آنان حضور پررنگ‌تری از بزرگسالان در قصه‌ها دارند. همچنین «کارهای شخصیت داستان می‌تواند مورد تقلید و تکرار قرار گیرد و در عرصه زندگی بسیار مؤثر واقع شود و تأثیرهای خوش یا ناخوشایندی در جامعه به جا بگذارد» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۸۳) و انتقال این مسائل آموزشی، از طریق همسالان بهتر انجام می‌گیرد؛ بنابراین در قصه‌های رایج در فرهنگ بختیاری، برای دستیابی به این اهداف، بیشتر از شخصیت‌های کودک و جوان استفاده شده است.



نمواد ۱: تعداد کل شخصیت‌های قصه‌ها به تفکیک سن

## ۲-۲. بررسی بسامد شخصیت‌های کودک و جوان پسر نسبت به دختر در قصه‌ها

همان‌گونه که در نمودار ۲، دیده می‌شود، از ۲۳۴ شخصیت کودک و جوان حاضر در قصه‌های مورد بررسی، ۱۱۰ شخصیت کودک و جوان (۴۸٪) پسر و ۱۲۴ شخصیت (۵۲٪) دختر هستند. این امر نشان‌دهنده حضور پررنگ‌تر شخصیت دختر نسبت به شخصیت پسر در قصه‌های مورد بررسی است. دلیل این امر می‌تواند این باشد که چون بیشتر سراینده‌گان قصه‌ها زنانند و آنان فرصت بیشتری برای قصه‌گویی داشته‌اند؛ بنابراین بیشتر به طرح مسائل مختلف مربوط به زنان پرداخته‌اند و بدین طریق، شخصیت‌های دختر و مسائل مربوط به آنان، حضور پررنگ‌تری در قصه‌ها یافته‌اند (بیات، ۱۳۸۹: ۱۱۰).



نمودار ۲: تعداد شخصیت‌های پسر و دختر کودک و جوان در قصه‌های مورد بررسی

## ۲-۳. بررسی طبقه اجتماعی شخصیت‌های کودک و جوان در قصه‌های مورد

### بررسی

قصه‌ها از جمله منابعی هستند که از طریق آن می‌توان به مطالعات جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی پرداخت و اطلاعات سودمندی را درباره طبقات مختلف جامعه به دست آورد. در قصه‌ها هم از طبقات فرادست جامعه، فرهنگ و باید و نبایدهای آنان سخن رفته و هم فرودستان جامعه به تصویر کشیده شده‌اند (ساتن، ۱۳۸۴: ۲۵۶). در این پژوهش، سه طبقه فرادست (ثروتمند)، متوسط و فرودست (فقیر و کم‌درآمد) بررسی

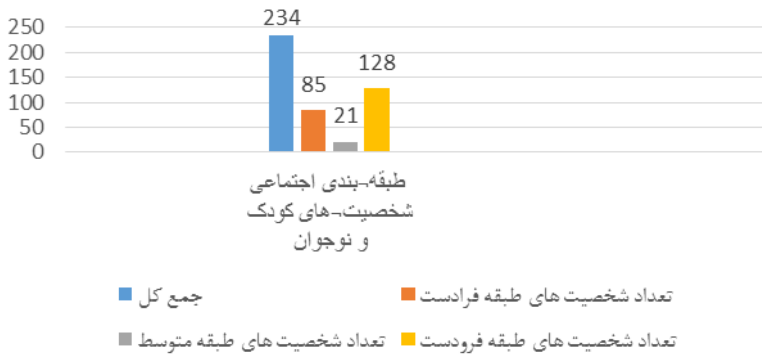
شده‌اند. منظور از طبقه فرادست، طبقه اجتماعی است که تقریباً تعداد اندکی از افراد و خانواده‌ها را در یک جامعه در برمی‌گیرد که این افراد، مالک دارایی‌های بیشتری نسبت به سایر طبقات هستند. همچنین اعضای این طبقه در سطوح بالای قدرت قرار دارند و میزان نفوذ و دارایی آنان سبب ایجاد قدرت، ثروت و احترام برای آنان در جامعه می‌شود (ر. ک: رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۷۸-۸۰). معمولاً شاهان، وزیران، رهبران، تاجران و شبیه این‌ها در این طبقه قرار می‌گیرند. در جامعه ایلی نیز کدخدا، خان، کلانتر، بزرگ خاندان جزو این طبقه هستند. در این پژوهش و با توجه به ساختار جامعه ایلی در قصه‌های منتخب، شاه، وزیر به‌عنوان طبقات فرادست در نظر گرفته شده‌اند. از مهم‌ترین نشانه‌های این طبقه در قصه‌های مورد بررسی، می‌توان به دارایی و ثروت فراوان، داشتن گله‌های بسیار (که به‌نوعی شاه معادل کدخدا در جامعه ایلی است)، داشتن باغ‌های بزرگ و قصرهای زیبا اشاره کرد. علاوه بر این می‌توان با نام‌گذاری شخصیت‌های قصه‌ها نیز به طبقه اجتماعی آن‌ها پی برد؛ برای مثال واژه شاهزاده در اغلب قصه‌ها برای بسیاری از کودکان پسر و دختر به‌کاررفته است که این موضوع بیان‌کننده این است که طبقات مختلف اجتماعی از جمله طبقه فرادست یا فرودست جامعه در شماری از نام‌گذاری‌ها تأثیر می‌گذارد (ر. ک: حسینی و قدرتی، ۱۳۹۰: ۱۲۶)؛ برای مثال در قصه کره‌اسب سیاه، مهم‌ترین نشانه‌ها و ویژگی‌های طبقه فرادست به تصویر کشیده شده است. در این قصه نخست از شاهی سخن می‌رود که ثروت فراوانی دارد، پسرش به مکتب می‌رود و سواد می‌آموزد. به‌خوبی می‌دانیم که در گذشته و در ساختار جامعه ایلی، با توجه به هزینه‌های زندگی، درآمد کم و همچنین این‌که طبقه فرودست اجازه تحصیل نداشتند و خان و ارباب اجازه باسواد شدن به رعیت نمی‌دادند، به مدرسه رفتن نشانه طبقه بالای اجتماعی فرد است. نکته دیگر در این قصه، اشاره به طبقه فرادست را می‌توان در نوع ازدواج و هزینه‌های آن مشاهده کرد. در این قصه، دختران شاه خود شوهرانشان را انتخاب می‌کنند: «روز بعد شاه به وزیرش دستور داد تا تموم جوون‌ها رو بیارن توی کاخ تا هفت‌دخترش از بین اونا،

نامزدشونو انتخاب کنن» (تهماسبی کهیانی، ۱۳۹۱: ۲۷۱)؛ بنابراین با توجه به چنین نشانه‌ها و قراینی پی می‌بریم که در هر قصه، شخصیت‌ها به کدام طبقه اجتماعی دارند. منظور از طبقه متوسط، طبقه اجتماعی است که افراد آن از لحاظ ارزش‌های فرهنگی مشابه افراد طبقه بالا و از نظر درآمد به افراد طبقه فرودست نزدیک هستند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۳۸). مهم‌ترین نشانه‌ها و ویژگی‌های این طبقه، داشتن مشاغل صنعتی، اداری، خدماتی، آموزشی و... است (احمدزاده، ۱۳۹۴: ۸). در جامعه ایلی نیز این نوع طبقه شامل افراد تحصیل‌کرده، چوب‌داران (کسانی که به کار خرید و فروش دام و تولیدات دامی مشغول هستند)، چوپان‌گیران و ملاح‌های مکتب می‌شود.

آخرین طبقه‌ای که در این قصه‌ها به آن پرداخته شده است و فراوانی بالایی نیز دارد، طبقه فرودست است. در جامعه ایلی، بیشتر افراد طبقه فرودست کارگر، چوپان و دامدار هستند؛ البته دارای دام‌های اندکی که تنها می‌توانند زندگی خود را با آن بگذرانند. این قشر از لحاظ کمیت بیشترین جمعیت ایل را تشکیل می‌دهند (شریتیان، ۱۳۹۶: ۵۶). مهم‌ترین ویژگی و نشانه‌های این طبقه در قصه‌های مورد بررسی، چوپانی برای دیگران، سکونت در خانه‌های کاهگلی، زندگی در کنار پیر زنان است.

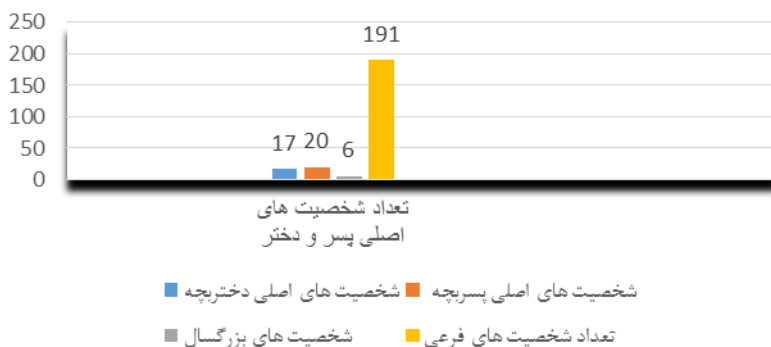
تعداد شخصیت‌های کودک و جوانی که در قصه‌ها از رفاه خانوادگی و اجتماعی برخوردار هستند، ۸۵ شخصیت در هفت قصه است. تعداد شخصیت‌هایی که در قصه‌ها رفاه اقتصادی در آن‌ها متوسط گزارش شده است؛ ۲۱ شخصیت از سه قصه و در ۳۰ قصه هم زندگی قشر ضعیف و فرودست جامعه (۱۲۸ شخصیت کودک و جوان) بازتاب داده شده است. این موضوع بیان‌کننده این است که در قصه‌ها بیشتر وضع زندگی افراد فرودست به تصویر کشیده شده است. البته برای نشان دادن نقطه مطلوب زندگی، راویان به شیوه زیست افراد طبقه فرادست توجه نشان داده‌اند. در واقع در قصه‌ها، به دنبال دگرگون کردن بنیان جامعه سستی و مبارزه با طبقات فرادست نیستند، بلکه طبقه فرادست یک شیوه زندگی آرمانی است که طبقه فرودست آرزوی دستیابی به آن را دارند.





نمودار ۳: طبقه اجتماعی شخصیت‌های کودک و جوان

۲-۴. بررسی تعداد شخصیت‌های اصلی کودک و جوان در قصه‌های مورد بررسی در قصه‌های بررسی‌شده و طبق نمودار شماره ۴، تقریباً ۳۵٪ متعلق به شخصیت‌های کودک و جوان دختر، ۴۵٪ متعلق به شخصیت‌های کودک و جوان پسر و ۲۰٪ هم متعلق به بزرگسالان بوده است که این آمار، نقش کم‌رنگ شخصیت بزرگسالان را به عنوان شخصیت اصلی در قصه‌ها نشان می‌دهد. در این قصه‌ها، شخصیت پسر، بیشترین نقش اصلی را در قصه‌ها دارد و به عنوان قهرمان قصه‌ها مطرح می‌شود که این امر ریشه در نگرش‌های مردسالار در جامعه بختیاری دارد. از آنجا که در فرهنگ بختیاری، بیشتر کارهای بیرون از خانه بر عهده مردان است و در قصه‌ها، محور پیرنگ و داستان بر این حوادث است، بیشتر به شخصیت‌های پسر، به عنوان قهرمان قصه توجه و از طریق آنان، مهم‌ترین درون‌مایه‌ها، پیام و حس داستانی منتقل شده است. نکته قابل تأمل این‌که شخصیت اصلی دختر نیز در این قصه‌ها حضور برجسته دارند که این امر نشان می‌دهد با وجود نگاه‌های مردسالار، زنان نیز در این فرهنگ حضور فعال در انجام کارها و حوادث زندگی دارند و هرچند جایگاه آن‌ها از مردان پایین‌تر؛ اما میزان آزادی عمل آنان بسیار زیاد است.

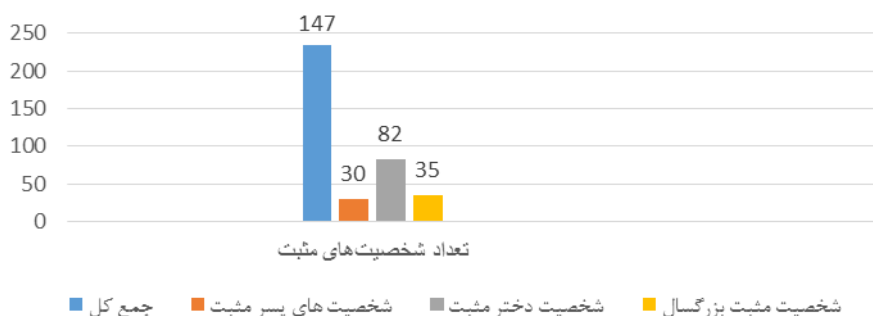


نمودار ۴: تعداد شخصیت‌های اصلی پسر و دختر کودک و جوان

## ۲-۵. بررسی تعداد شخصیت‌های مثبت کودک و جوان در قصه‌ها

در قصه‌ها از طریق مثبت و منفی بودن شخصیت‌ها، برای کودکان الگوسازی می‌شود؛ امری که در روانشناسی بسیار مهم شمرده شده است. از نظر بندورا به دلیل این که افراد می‌توانند از طریق سرمشق یا الگو گرفتن از دیگران بیاموزند (یادگیری غیرمستقیم)؛ بنابراین از اشتباهات رفتاری آنان کاسته می‌شود (شاملو، ۱۳۸۸: ۱۱۰) و در قصه‌ها، شخصیت‌های مثبت و منفی چنین نقشی دارند. در قصه‌های بررسی شده، تعداد شخصیت‌های مثبت از منفی بیشتر است که این امر نشان می‌دهد در فرهنگ بختیاری برای الگوسازی، بیشتر الگوهای مثبت معرفی شده‌اند تا منفی. همچنین بررسی تعداد شخصیت‌های مثبت و منفی در قصه‌ها، برای دستیابی به نوع اندیشه قصه‌سرایان در توصیف انسان کامل و مناسب برای کودک و جوان بسیار مهم است.

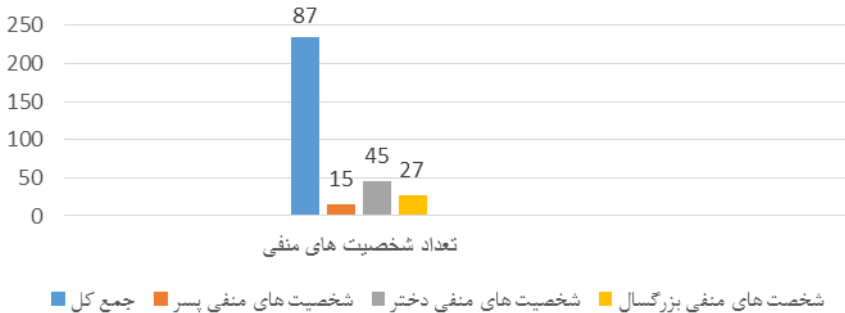
بر اساس نمودار زیر، ۱۴۷ شخصیت مثبت در قصه‌های مورد بررسی وجود دارد که از این تعداد، ۳۵ شخصیت (۲۲٪) بزرگسال، ۳۰ شخصیت (۱۸٪) پسر و ۸۲ شخصیت (۶۰٪) دختر کودک و جوان هستند.



نمودار ۵: تعداد شخصیت‌های مثبت کودک و جوان در قصه‌های مورد بررسی

## ۲-۶. بررسی تعداد شخصیت‌های منفی کودک و جوان در قصه‌های مورد بررسی

از ۸۷ شخصیت منفی تعداد ۲۷ شخصیت (۳۰٪) آن متعلق به بزرگسالان است. سهم دختر کودک و جوان ۴۵ شخصیت (۵۰٪) و پسر کودک و جوان هم ۱۵ شخصیت (۲۰٪) است. در این بررسی‌ها، تعداد نقش‌های منفی در این قصه‌ها بیشتر متعلق به دختر بچه‌ها و پس از آن بزرگسالان است. درباره قصه‌هایی ایرانی گفته شده است (مارزلف، ۱۳۷۶: ۴۹؛ رضایی و ظاهری عبده‌وند، ۱۳۹۲: ۲۵۵-۲۵۶) که بیشتر زنان در قصه‌ها نقش‌های منفی دارند؛ معمولاً نقش‌های منفی زنان در قصه‌ها را می‌توان در کردار و رفتار نامادری (زن‌بابا)، مادر شوهر، عمه و یا خاله مشاهده کرد که معمولاً حسادت می‌ورزند و تلاش می‌کنند تا با تهمت زدن، بی‌ملاحظگی، به کار بردن مکر و نیرنگ و مترادفات آن به شخصیت‌های دیگر بتوانند به اهداف خود دست یابند. چنان‌که می‌بینیم درصد نقش‌های منفی دختر (و یا زنان) در قصه‌های بررسی شده نسبت به پسر (مردان) بیشتر است؛ می‌توان گفت موضوع مطرح شده ارتباطی با اندیشه مردسالاری در جامعه ایلی دارد که با وجود نگاه مثبت به زنان، توصیف‌های ارائه شده در قصه‌ها زنان را فروتر از مردان نشان می‌دهند. همچنین می‌توان به نوعی در وجود شخصیت منفی زن، نوعی ستیز با مردسالاری را نشان داد؛ چرا که برخی از دختران با ویژگی‌های منفی، شخصیت‌های هستند که در مقابل اندیشه‌های مردسالار ایستاده‌اند و بدین سبب مردان نیز صفات منفی‌ای به آنان نسبت داده‌اند.



نمودار ۶: تعداد شخصیت‌های منفی در قصه‌های مورد بررسی

## ۷-۲. بررسی و تحلیل صفت‌های فیزیکی کودک و جوان در قصه‌ها

از دیگر مؤلفه‌هایی که می‌توان در قصه‌ها به تحلیل آن پرداخت، بررسی مشخصه‌های فیزیکی یا صفت‌های جسمانی شخصیت‌های قصه است. اهمیت توصیف فیزیکی شخصیت، جنبه‌های دیگر شخصیت را به‌طور ضمنی القا می‌کند (لاج، ۱۳۹۳: ۱۲۸). همچنین خواننده می‌تواند خصوصیات دیگر شخصیت را تداعی کرده و بدین طریق خصوصیات جزئی دیگر او را با تخیل بسازد (سینگر، ۱۳۷۴: ۴۵). صفات شخصیت‌ها (فیزیکی، عاطفی و اخلاقی) در قصه و داستان، دال‌هایی هستند که مجموعاً بر یک مدل که همانا شخصیت باشد، دلالت و اشاره دارند. پرداختن به چنین صفاتی از سوی راویان قصه برای کودک، به این دلیل است که شخصیت را موجودی خارج از زبان که وجودی عینی و قابل لمس دارد به تصویر بکشد و به‌نوعی باورپذیری کودک از شخصیت قصه را ایجاد کنند (مندنی‌پور، ۱۳۸۴: ۵۱). از مهم‌ترین صفت‌های فیزیکی کودک و جوان در قصه‌های منتخب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که در جدول ۱ نشان داده شده‌اند:

جدول ۱: آمار صفت‌های فیزیکی کودک و جوان در قصه‌های مورد بررسی

انواع مشخصه‌ها	پسر	دختر
صفت زیبایی و خوش‌اندامی	٪۱۰	٪۹۰

صفت قدرت جسمانی و تناسب اندام	%۱۰۰	%۰
صفت مو بلندی و کچلی	%۱۴	%۸۶
صفت زشتی و بد سیمایی	%۰	%۱۰۰
صفت خوش صدایی	%۰	%۱۰۰
صفت نداشتن سلامت جسمی (فلجی)	%۱۰۰	%۰
صفت شکار و تیراندازی	%۱۰۰	%۰

## ۲-۸. بررسی مشخصه‌های اخلاقی و عاطفی کودک و جوان در قصه‌ها

روایت، تنها بازتاب زندگی کودکانه نیست، بلکه یکی از راه‌هایی است که در آن هویت کودک ساخته می‌شود. این امر از طریق کنترل جایگاه خواننده و فراخوانی وی به همانندسازی انجام می‌شود. در واقع داستان بر همدلی افراد با شخصیت‌ها تأثیر می‌گذارد و قادر است افراد را به سمت اهداف اخلاقی ببرد (کوری، ۱۳۹۷: ۴۳). بر این اساس می‌توان گفت که قصه‌ها نیز با ایجاد همدلی و فراخوانی به همانندسازی، در شکل‌گیری هویت کودکان نقش مهمی دارند. از سوی دیگر توجه به اخلاق و عواطف اشخاص قصه، باعث آشنا کردن کودک با جنبه‌های مختلف شخصیت است. این توجه سبب می‌شود تا کودک و جوان با خصلت‌های ثابت و غیرثابت آشنا شود و همین موضوع، یعنی پرداختن به عواطف و اخلاق باعث تعمیق جنبه انسانی شخصیت می‌شود (سینگر، ۱۳۷۴: ۵۳). در پرداختن به مشخصه‌های عاطفی کودک در قصه، صفات مثبت و منفی اخلاقی در کنار هم در رفتار شخصیت‌ها قابل مشاهده است؛ برای مثال در قصه‌های بررسی شده، موضوع ترس با نگرانی، وحشت، بیم و هیجان در رفتار و اعمال شخصیت‌ها به کودک نشان داده یا شادی با سرخوشی و به وجد آمدن به تصویر کشیده شده است. برای توصیف ویژگی‌های عاطفی و اخلاقی اشخاص پسر و

دختر در قصه‌های بررسی‌شده، بر جنبهٔ قدرت، زیرکی، دانایی، باهوشی، چابکی، خردمندی پسر و بر جنبه‌های مهربانی، مکاری، حسودی، باهوشی، بدجنسی دختر توجه شده است. این امر نشان‌دهندهٔ این است که سراینده‌گان قصه‌ها به‌خوبی توانسته‌اند ابعاد شخصیتی مردان و زنان را به تصویر بکشانند که در نوع خود برای قصه‌های عامیانه کودک و جوان قوم بختیاری جالب‌توجه است و آن‌ها بر جنبه‌های روان‌شناختی اشخاص و شناساندن آن‌ها به مخاطب خویش تسلط کافی داشته‌اند. مکاری، حيله‌گری و باهوشی ویژگی‌های خاص دختران و قدرت‌نمایی، چابکی، خردمندی و بخشندگی (روزی‌آوری) ویژگی‌های خاص مردان است که در این قصه‌ها متناسب با جنسیت (مرد و زن بودن) موجود در قصه بازتاب داده شده‌اند.

جدول ۲: بسامد صفت‌های اخلاقی و عاطفی شخصیت‌های کودک و جوان در قصه‌ها

انواع مشخصه‌ها	دختر	پسر
باهوشی، زیرکی و دانایی	۵۶٪	۴۴٪
شجاعت	۲۸٪	۷۲٪
مهربانی و خوش‌اخلاقی	۵۰٪	۵۰٪
پاک‌دامنی و باوفایی	۸۳٪	۱۷٪
عاقبت‌اندیشی	۰٪	۱۰۰٪
صفت کودک‌آزاری (خشونت)	۱۰۰٪	۰٪
حيله‌گری (مکر و...)	۷۶٪	۲۴٪
حسود و بدجنس	۷۰٪	۳۰٪
دروغ گفتن	۳۰٪	۷۰٪

### ۳. نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شخصیت‌های کودک و جوان، نقش پررنگ‌تری نسبت به شخصیت بزرگسالان در قصه‌های رایج در فرهنگ بختیاری دارند. این امر، بدین سبب است که مخاطب اصلی قصه‌ها، کودکان و جوانانند؛ بنابراین برای ایجاد حس همذات‌پنداری، بیشتر از شخصیت‌های کودک و جوان استفاده شده است. از میان شخصیت‌های کودک و جوان، شخصیت‌های دختر نقش بیشتری در قصه‌ها داشته‌اند. دلیل این مسأله نیز این است که چون بیشتر گویندگان قصه‌ها زنان و آنان بیشتر به آموزش مسائل مختلف به دختران توجه نشان داده‌اند، در قصه‌ها، به مسائل زنان و شخصیت‌های دختر بیشتر پرداخته شده است. در این قصه‌ها، شخصیت اصلی بیشتر از بین شخصیت‌های کودک و جوان پسر انتخاب شده است. در قصه‌ها، محور پیرنگ بر حوادث خارج از خانه و از آن‌جا که در جامعهٔ مردسالار بختیاری، حوزهٔ عمومی، مختص به مردان است، بیشتر به شخصیت‌های پسر، به عنوان قهرمان قصه توجه شده است. بیشتر شخصیت‌های مثبت و منفی از میان شخصیت‌های کودک و جوان دختر انتخاب شده است. از نظر طبقهٔ اجتماعی، اکثر شخصیت‌های قصه‌های مورد بررسی جزو طبقهٔ پایین جامعه بوده و راویان برای نشان دادن نقطهٔ مطلوب زندگی، به شیوهٔ زیست افراد طبقهٔ فرادست توجه نشان داده‌اند. در واقع قصه‌گویان، به دنبال دگرگون کردن بنیان جامعهٔ سنتی و مبارزه با طبقات فرادست نبوده‌اند، بلکه شیوهٔ زندگی طبقهٔ فرادست، یک شیوهٔ آرمانی است که طبقات فرودست آرزوی دست‌یابی به آن را دارند. زیبایی و زشتی، قدرت جسمانی، داشتن مو یا کچل بودن، داشتن صدای خوش و تنومندی از مهمترین صفت‌های جسمانی شخصیت کودک و جوان قصه‌ها هستند و زیرکی، دانایی، باهوشی، چابکی، خردمندی، مهربانی، مکاری، حسودی، باهوشی، بدجنسی و ویژگی‌های عاطفی و اخلاقی آنان است که تأثیر جنسیت را در این زمینه می‌توان دید؛ چنان‌که مکاری، حيله‌گری و باهوشی ویژگی‌های خاص دختران و

قدرت‌نمایی، چابکی، خردمندی و بخشندگی (روزی‌آوری) ویژگی‌های خاص پسران است.

#### ۴. منابع

۱. آسمند، علی و خسروی، حسین (۱۳۷۷). *افسانه‌های چهارمحال و بختیاری*. شهرکرد: ایل.
۲. احمدزاده، محمد امیر (۱۳۹۴). «ارزیابی و نقد کتاب طبقه متوسط». پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ۱۵. شماره ۲. صص ۱-۲۶.
۳. انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۹۴). *جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان*. جلد اول. تهران: امیرکبیر.
۴. بیات، حسین (۱۳۸۹). «محوریت قهرمانان زن در قصه‌های عامیانه». فصلنامه نقد ادبی. سال ۳. شماره ۱۱ و ۱۲. صص ۸۷-۱۱۵.
۵. بیشاپ، لئوناردو (۱۳۷۴). *درس‌هایی درباره داستان‌نویسی*. ترجمه محسن سلیمانی. چاپ دوم. تهران: زلال.
۶. پاینده، حسین (۱۳۸۹). *داستان کوتاه در ایران*. جلد ۱. چاپ اول. تهران: نیلوفر.
۷. تهماسبی کهیانی، جهانبخش (۱۳۹۱). *اوسانه‌های لردگان*. چاپ اول. شهرکرد: نیوشه.
۸. چراغی، مونا و ابراهیمی، مریم (۱۳۹۷). «تحلیل روان‌شناختی رابطه والد - فرزند در ضرب‌المثل‌های ایرانی: یک پژوهش کیفی». فصلنامه خانواده‌پژوهی. سال چهاردهم. شماره ۵۵. پاییز. صص ۳۸۳-۴۱۰.
۹. رضایی، حمید و ظاهری عبده‌وند، ابراهیم (۱۳۹۲). «تصویر زن در قصه‌های عامیانه قوم بختیاری». نشریه زن در فرهنگ و هنر. دوره ۵. شماره ۲. تابستان. صص ۲۳۹-۲۶۰.
۱۰. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). *آنا‌تومی جامعه یا سنه الله: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*. تهران: کاوه.
۱۱. زاپیس، جک دیوید (۱۳۸۰). *هنر قصه‌گویی خلاق*. ترجمه مینو پرنیانی. چاپ اول. تهران: رشد.



۱۲. ساتن، الول، پُل، لارنس (۱۳۷۴). قصه‌های مشهدی گلین خانم. ویرایش اولریش مارتسولف. سیگر، لیندا (۱۳۷۴). خلق شخصیت‌های ماندگار. ترجمه عباس اکبری. چاپ اول. تهران: مرکز گسترش سینمای تجربی.
۱۳. شاملو، سعید (۱۳۸۸). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. چاپ هفتم. تهران: رشد.
۱۴. شربتیان، یعقوب (۱۳۹۶). مردم‌شناسی ایلات و عشایر ایران. چاپ سوم. تهران: ندای آریانا.
۱۵. شهشهانی، سهیلا (۱۳۸۷). مروری بر متل‌های مردم ممسنی. قم: تبیان.
۱۶. قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۲). کودکان‌ها در ادبیات شفاهی مردم بختیاری. فصلنامه فرهنگ مردم ایران. شماره ۳۳.
۱۷. کوری، مارک (۱۳۹۷). نظریه روایت پسامدرن. ترجمه آرش پور اکبر. چاپ نخست. تهران: علمی فرهنگی.
۱۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
۱۹. لاج، دیوید (۱۳۹۳). هنر داستان‌نویسی. ترجمه رضا رضایی. چاپ سوم. تهران: نی.
۲۰. لیموچی، کتایون (۱۳۸۵). افسانه‌های مردم بختیاری. تهران: پازی تیگر.
۲۱. مارزلف، اولریش (۱۳۷۶). طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی. ترجمه کیکاووس جهاندار. چاپ دوم. تهران: سروش.
۲۲. محجوب، محمدجعفر (۱۳۴۱). مطالعه در داستان‌های عامیانه فارسی. ضمیمه مجله دانشکده. سال دهم. شماره اول.
۲۳. مندنی‌پور، شهریار (۱۳۸۴). ارواح شهرزاد. چاپ دوم. تهران: ققنوس.
۲۴. میر صادقی، جمال (۱۳۹۴). عناصر داستان. چاپ نهم. تهران: سخن.
۲۵. ناظمی، یحیی (۱۳۸۵). ادبیات کودکان، رویکردی بر قصه‌گویی و نمایش خلاق. چاپ اول. تهران: چاپار.